

رهبری و ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران

محمد مهدی مؤمن زاده

دانشجوی حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر مهدی حقیقی

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

انقلاب ۱۳۵۷ ایران در حالی به پیروزی رسید که اقشار مختلف جامعه و گروه‌های مختلف رژیم به صورتی همبسته و متحد در مبارزه شرکت داشتند و همچنین مردم در این بسیج عمومی با گروه پرجاذبه و پرشور به رهبر پرجاذبه انقلاب اطاعت ارادتمندانه و داوطلبانه خویش را ثابت نمودند.

سؤالاتی چند به ذهن می‌رسد؛ اینکه این همبستگی و اتحاد و این گروه پرجاذبه و پرشور چگونه شکل گرفت؟ ویژگی اساسی الگوی ارتباطی مردم- رهبر در انقلاب ایران چه بود که چنین ارتباط محکم و پرجاذبه‌ای بین مردم و امام به وجود آمد و موجب اطاعت وفادارانه مردم از ایشان شد؟ نگارندگان با توجه به ایدئولوژی رهبر و ویژگی‌های آن به پاسخگویی سؤالات مذکور می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: ایدئولوژی، کاریزما، دکترین (ایدئولوژی) کاریزمایی، انقلاب، امام خمینی (ره)، انگاره سازی.

مقدمه

پیروزی انقلاب مردم ایران در سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۶ بستر مناسبی را برای انجام پژوهش‌های علمی، طرح و آزمون فرضیه‌ها، آزمون تجربی نظریه‌های موجود و ارائه نظریه‌های نوین فراهم ساخت. آنچه در این میان توجه بسیاری را به خود جلب کرده، مسئله رهبری این نهضت فراگیر است.

برای آنهایی که تحولات سیاسی - اجتماعی ایران آن دوره را پیگیری می‌کنند، رهبری انقلاب به وسیله روحانی هفتاد و پنج ساله‌ای آن هم از راه دور و عمدتاً با تکیه بر اعلامیه، نوار و سخنرانی و صدور فتوی، پدیده‌ای غیرعادی و قابل تحقیق است. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱)

در این مقاله ابتدا با مروری اجمالی، مبانی نظری دو مفهوم ایدئولوژی و رهبری کاریزمایی را توضیح داده و با مبنا قرار دادن دکترین کاریزمایی حضرت امام، الگوی ارتباطی بی‌نظیر ایشان و مردم را در پرتو سؤال دلایل جاذبه رهبر برای پیروان بررسی و تحلیل می‌نماییم. بنابراین بخش‌های دیگری از ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره) و دلایل جاذبه مردمی ایشان که بر اساس روش‌های علمی متعارف قابل واریسی عینی نبود، مطرح نگردیده است. این پژوهش ادعای کشف همه واقعیات مربوط به پدیده مورد بررسی را ندارد و تنها توضیح دیگری است که به مجموعه توضیحاتی که تاکنون در مورد رهبری در انقلاب اسلامی ایران ارائه شده‌اند، اضافه کرده است البته این نوشته می‌تواند ارائه مصداقی باشد از انگاره سازی دکترین کاریزمایی، بدین ترتیب می‌توان گفت تحقیق حاضر ترکیبی از تحقیق «تطبیق نمونه با تئوری»^۱ و تحقیق «تئوری آزمایی»^۲ است.

ساختار نظری

ایدئولوژی: مفهوم و تعاریف

به احتمال زیاد ایدئولوژی یکی از مشکل‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و در عین حال پرکاربردترین آنهاست؛ هم در محافل علمی و آکادمیک و هم در بحث‌های روزمره معانی متعددی دارد. (روبرتسون^۱، ۱۹۵۸: ۱۵۲ - ۱۵۳) که با توجه به حجم مقاله و برای رعایت اختصار کلام مفاهیم گسترده این اصطلاح را به صورت اجمالی مرور می‌کنیم این واژه را به آرمان، انگارگان، اندیشه‌ورزی، مرام، مسلک (بريجانيان، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۹۳) و دانش ایده‌ها، دکترین (گورالینک^۲، ۱۹۸۸: ۶) و ... معنا کرده‌اند.

اصطلاح ایدئولوژی که از دو کلمه لاتین ایده به معنای فکر، نظر و ذهن و «لوژی» پسوندی به معنای شناخت یا شناسی ساخته شده است. (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۹۴-۹۲) برای نخستین بار، از سوی «دوستوت دو تراسی»^۳ در دوران انقلاب فرانسه به کار برده شد. (بارادات^۴، ۱۹۸۸: ۶) پس از شکست‌های نظامی فرانسه ناپلئون علت را نفوذ ایدئولوگ‌ها قلمداد کرد و درباره آنها واژه‌های موهنی را به کار برد، لذا این اصطلاح به دو صورت متضاد، ستایشگرانه و پسندیده و دیگری نکوهیده و طعنه‌آمیز جلوه‌گر شد. به طور خلاصه می‌توان مفهوم ایدئولوژی را در قالب‌های زیر جای داد.

- ایدئولوژی به معنای ایده‌ها، «دوستوت دو تراسی» (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۷۳)
- ایدئولوژی به معنای آگاهی کاذب، «کارل مارکس»^۵ (همان)

1 - Robertson

3 - Destutt de Tracy

5 - Karl marx

2 - Guralink

4 - Baradat

- ایدئولوژی به معنای جهان‌بینی طبقه، لنین^۱ و مارکسیست‌های سده بیستم (لارین^۲، ۱۹۷۹: ۵۰-۴۸؛ دراکر^۳، ۱۹۷۴)

- ایدئولوژی به معنای جامعه‌شناسی معرفت کارل مانهایم^۴ (مانهایم، ۱۹۳۶: ۴۹-۵۵) همچنین می‌توان گفت که یکی از نتایج اولیه تمرکز بر ایدئولوژی‌های توتالیتر نسبت دادن معنای مذموم به اصطلاح ایدئولوژی بود و برای حمله به توتالیترانیسم، ایدئولوژی به عنوان سیستمی از باورهای معطوف به عمل - که غیرعقلانی است - ترجمه شد.

در این مقاله برای تعریف ایدئولوژی براساس مقاله رجای^۵ دو رهیافت را مدنظر قرار می‌دهیم: الف - رهیافت معرفت‌شناختی: در این رهیافت براساس نظرات «دوستوت دو تراسی» و «کاندلایک»^۶ چنین نتیجه می‌گیریم که ایدئولوژی بر نظریه‌ای مهیج از دانش مبتنی است که با درک و فهم از آن در قرن بیستم ارتباط مستقیمی ندارد (رجایی، ۱۹۹۰: ۱۰). ب - در رهیافت دوم که رهیافت فرهنگی - روانی است ضمن مروری بر نظریات «دیون»^۷ و «گیرتز»^۸، ایدئولوژی، ساخت فرهنگی - روانی کم و بیش انسجام یافته‌ای قلمداد می‌شود که عناصر محیطی و روانی را یکپارچه و متحد می‌کند. از این دیدگاه ایدئولوژی از یکسو مستلزم چشم انداز و دورنمایی روانی و از سوی دیگر نیازمند زمینه‌های فرهنگی است که نخستین کارکردش این است که به فرد این توانایی را می‌دهد که احساسی از نظام فرهنگی سمبلیک ایجاد کند (رجایی، ۱۹۹۰: ۱۰، ب).

1 - Lenin

3 - Drucker

5 - Rajai

7 - Dion

2 - Larrian

4 - Karl mannheim

6 - Kendlike

8 - Geertz

قبل از ارائه تعریف ایدئولوژی در این مقاله توجه به این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد «ولفگانگ مومسن»^۱ براساس آرای «ویر»^۲، مدلی دوگانه از تحولات اجتماعی ارائه کرده است. براساس این مدل، یک نوع تحول، تحول عقلانی ابزاری است که براساس کنش عقلانی معطوف به هدف قرار دارد. چنین کنشی به نوبه خود بر نگرش عقلانی ابزاری مبتنی است. تحول نوع دوم، تحول عقلانی ارزشی است که براساس کنش عقلانی معطوف به ارزش قرار دارد و این کنش نیز به نوبه خود بر نگرش‌های ارزشی غیرعادی یا «آن‌دنیایی» مبتنی است چنین نگرشی، محصول اعمال یا نگرش‌های کاریزمایی است. کنش عقلانی ارزش و تحول حاصل از آن، محصول تحول درونی در افراد بوسیله کاریزماست. (مومسن، ۱۹۸۹: ۱۵۲ - ۱۵۱)

با توجه به آنچه گذشت و در نظر گرفتن رهیافت‌های ارائه شده و آراء «مومسن» و با اذعان به این واقعیت که تمامی تعریف‌های ایدئولوژی بناگزییر تا حدودی دلخواهانه هستند، (سروش، ۱۳۷۶: ۵۷۷) تعریف مختار این نوشته از ایدئولوژی به این صورت ارائه می‌شود:

«ایدئولوژی نظام فکری سامان یافته یا نظامی از باورها، داوری‌ها و عقاید است که در کنار مشخص نمودن موقعیت یک گروه یا جامعه به انتقاد از وضع موجود می‌پردازد و با تکیه بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرح نوآورانه‌ای را از جامعه مطلوب با توجه به دامنه پذیرش فکری، فرهنگی، اجتماعی مخاطبان ارائه و از راه‌های دستیابی به این هدف نیز صحبت می‌کند.»

این کنش از نوع کنش عقلانی معطوف به ارزش است. چراکه آنچه کار اقماعی دنبال می‌کند «باورآفرینی» است این با «مهرآفرینی» که می‌خواهد عواطف و ناخودآگاه‌ها را با نهادها پیوند زند، همراه می‌شود. هدف پیام‌های سیاسی صرفاً

ساختن یک الگوی اجتماعی قابل فهم نیست، بلکه ارائه ارزش هایی نیز هست که شایسته مهر ورزیدن و جستجو کردن باشد. (انسار، ۱۳۸۱: ۲۹) بنابراین، کار اقصاع، با «باور آفرینی» و «مهر آفرینی» در «عمل آفرینی» نقش بازی می کند، کلام ایدئولوژیک موفق می شود که این سه طریق نفوذ را یک جا گردآوری و خود از حمایت متقابل و همیارانه بهره مند گردد (همان، ۳۰۱).

قبل از پرداختن به مفهوم کاریزما لازم است کارکردهای ایدئولوژی را به طور فهرست وار بیان کنیم؛ چرا که انجام موفق آنها موجب برتری ایدئولوژی در روند بسیج می شود. این کارکردها عبارتند از: انتقال آگاهی سیاسی برای صف آرایی، نقد ترتیبات اجتماعی موجود، طرح مجموعه ای جدید از ارزش ها، طرح کلی جامعه مطلوب، معرفی برنامه های عملی برای ویرانی وضع موجود، ایجاد روحیه فداکاری و اיתار، ساده سازی، تأکید بر تعهد به اقدام و اعتماد به نفس، ادعای مبتنی بر صداقت و عقلانیت (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۸۹).

کاریزما

کاریزما که در فارسی به عطیه الهی، فره ایزدی، جاذبه استثنایی و فره مندی ترجمه شده است. (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۱: ۳۶) لغتی یونانی است که «ماکس وبر» از این مفهوم برای تقسیم بندی انواع سیادت سیاسی (براساس نوع مشروعیت) بهره گرفت و آن را در کنار دو نوع سیادت دیگر، یعنی سیادت قانونی و سیادت سنتی قرار دارد. اولین ویژگی ماهیتی که وبر برای کاریزما در نظر می گیرد این است که کاریزما، برای خصوصیت ویژه شخصیت یک فرد که به خاطر این ویژگی، از افراد عادی، جدا انگاشته می شود، و به عنوان کسی که صاحب توانائی ها یا خصوصیات فوق طبیعی، فوق انسانی یا حداقل استثنائی باشد، به کار می رود ... آنچه مهم

است، این است که فرد چگونه توسط آنهایی که در معرض سیادت کاریزمایی هستند، یعنی پیروان و شاگردان ارزیابی می‌گردد.

ویژگی ماهیتی دوم، پذیرش توسط آنهایی است که در معرض سیاست هستند و این پذیرش برای اعتبار کاریزما تعیین کننده است.

ویژگی ماهیتی بعدی، نوآوری کاریزماست. از نظر ماهوی هر رهبر کاریزمایی این اصل را دنبال می‌کند که: شنیده‌اید که گفته‌اند ... اما من به شما می‌گویم که ... هر پیامبر واقعی، ... و رهبر واقعی دیگری، ابداع کننده و خواستار اجرای فرامین جدید است (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۷-۴۰۰).

با این ویژگی «وبر» به خصوصیت کارکردی اساسی کاریزما یعنی ایجاد انقلاب و تحول اجتماعی نزدیک می‌شود.

محققان بعدی سعی کرده‌اند با توجه به نمونه‌های معمولی کاریزما، سلسله‌ای از صفات شخصیتی و رفتاری عمومی را که مجموعه آنها، گاه با عنوان «شخصیت اعلای کاریزمایی» هم خوانده می‌شود، در این رهبران تشخیص دهند. فرض بر این است که این صفات و ویژگی‌ها، صرف نظر از محیط فرهنگی و ارزشی خاصی، همچون یک محرک، پاسخ‌های کاریزمایی را در پیروان برمی‌انگیزند (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۰). که با توجه به حجم مقاله از پرداختن به آنها خودداری می‌کنیم.

کاریزما و دکترین کاریزمایی

اما صرف وجود برخی صفات در رهبر کافی نیست، بلکه این صفات باید از سوی پیروان هم مورد پذیرش قرار گیرد و باید به این سؤال پرداخت که طی کدام فرایند شناختی و عاطفی پیروان به صفات فوق بشری یا مانند آن در رهبر اعتقاد و علاقه پیدا می‌کنند؟ و به طور دقیق‌تر چرا و چگونه پاسخ کاریزمایی در پیروان برانگیخته

می‌شود؟ چون باور کردن کاریزما همه قضیه نیست و پیرو، برای مشارکتی در جنبش کاریزمایی، به چیزی بیشتر از صرف باور نیاز دارد. اگر چه از نکاتی که «ویر» در جامعه‌شناسی سیادت کاریزمائی به آن به طور مکرر اشاره کرده است بحران و تأثیر زمینه‌ساز آن برای چنین اقتداری است؛ با این حال، پس از «ویر»، برای تبیین فرایند شکل‌گیری باورهای کاریزمایی در پیروان تلاش‌های نظر مختلفی صورت گرفت. حاصل کار، تدوین نظریه‌های متنوعی بود که مهم‌ترین آنها با عناوینی همچون «نظریه جانشین سازی اسطوره‌ای»، «نظریه سرایت اجتماعی»، «نظریه اعجاز» و «نظریه مبالغه» خوانده می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۹)

اما در مقاله حاضر سعی بر آن است که با تکیه بر دکترین کاریزمایی رهبر، چرایی و چگونگی ظهور رهبر کاریزمایی و جنبش کاریزمایی تبیین شود. البته این موضوع به معنی در نظر نگرفتن ویژگی‌ها و صفات شخصی و شخصیتی رهبران نیست و نباید عوامل عینی و به خصوص عوامل فرهنگی را که بستر پذیرش و پرورش ایدئولوژی را تشکیل می‌دهند و مایه‌های جاذبه‌ای آن را فراهم می‌آورند، نادیده گرفت - همچنین نباید این تصور به وجود آید که هر ایدئولوژی را دکترین کاریزمایی و لذا هر جنبشی را جنبش کاریزمایی بدانیم.

دکترین کاریزمائی دکترینی است که جمعی را که در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط اجتماعی مستقر قرار دارند؛ به منظور اعاده، حفظ تعدیل یا خلق ارزش‌ها به تلاش و می‌دارد. چنین باوری الزاماً شامل تمام بخش‌های کنش می‌گردد، یعنی بازسازی ارزش‌ها، باز تعریف هنجارها، سازماندهی مجدد انگیزه افراد و باز تعریف امکانات موقعیت را در خود دارد.

و انگاره سازی آن به این معنی است که دکترین کاریزمائی با به تصویر کشیدن آرزوهای جامعه در قالب ایده‌آل‌های ایدئولوژیک، تصویری جذاب از آینده ایجاد

می‌کند، اعتماد نسبت به اهداف جنبش کارizmائی را در پیروان تقویت می‌کند و با پیشنهاد راه‌حل‌های خروج از بحران به مردم امید حرکت و انگیزه مشارکت در جنبش کارizmائی می‌دهد. البته گاهی اوقات دکتترین پیشنهادی از تطبیق با بحران فراتر می‌رود با تفسیر اوضاع اجتماعی موجود به عنوان اوضاع بحرانی، توجه عمومی را به زمینه‌های بالقوه بحران جلب می‌کند.

می‌توان گفت جنبش‌های کارizmائی دینامیکی است که به وسیله کلمات ساخته می‌شود و براساس پیام‌ها یک دست می‌گردد.

و لذا در این جنبش‌ها، واژه‌ها، وحدت‌های معنائی و وحدت پیوندها و تعلقات اهمیت تاریخی تعیین کننده‌ای می‌یابند.

در این مقاله نمی‌توان به طور مفصل به چگونگی روند تولید ایدئولوژی پرداخت، اما جنبش با کلامی ساده ساز و عمل آفرین به سمت ساختن یک نمودار تیزتر و قاطع‌تر از محیط خود و درونی کردن این نمودار می‌گراید و دینامیک فوق‌العاده فعالی شکل می‌گیرد که به مدد آن رهبران به عنوان حاملان حقیقت جدید و به عنوان مظاهر معنای راستین سر بر می‌آورند. جنبش عرصه‌ای از کشمکش نمادین می‌شود که باید از دل آن یک کلام مشترک که هماهنگی تلاش‌ها را تضمین می‌کند بیرون آید. و بدین ترتیب، تواناترین افراد برای تسلط به امکانات فکری را بر می‌انگیزد تا جایگاه رهبری را اشغال کنند.

در دینامیک جنبش قرعه رهبری به نام کسی زده خواهد شد که بهتر از همه بتواند کلام خویش و تولید علایم را با دینامیک رادیکالیزاسیون خاص گروه سازگار نماید. باید دانست که در موقعیت کشمکش این رادیکال‌ترین مواضع هستند که جلب حمایت می‌کنند و رقابت برای کسب موقعیت رهبری به صورت رقابت میان قاطع‌ترین و ایجابی‌ترین کلام‌ها در می‌آید (انسار، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

از آن زمان که رهبر جایگاه خود را به عنوان حامل انحصاری و ممتاز معنا تصاحب می‌کند، همچون تجسم کلام ظاهر می‌شود (انصار، ۱۳۸۱: ۱۸۰). و تجسم معنای جمعی در یک پیشوای مؤثر و نمادین تبدیل جنبش به سرسپردگی را طرح ریزی می‌کند.

اکنون پس از طرح نسبتاً مفصل مبانی نظری این مقاله لازم است به بحث اصلی خویش یعنی دکترین جاذبه حضرت امام، نقش آن در شکل‌گیری جاذبه ایشان و بسیج مردمی در انقلاب پردازیم.

روند فکری تولید ایدئولوژی و روند ظهور رهبر پرجاذبه در انقلاب ایران

دوره اول: مبارزات و فعالیت‌ها تا سال ۴۲

با سرکوب قیام ۱۵ خرداد و تبعید امام به خارج از کشور رویارویی حضرت امام (ره) و شاه با غلبه موقت شاه پایان یافت و دوره‌ای از کشمکش غیرمستقیم آغاز شد که تا ظهور دوباره رهبری پرجاذبه در صحنه و فراگیر شدن جاذبه او ادامه یافت. ظهور دوباره جاذبه با چنان‌گوش و وفاداری (در میان پیروان) همراه بود که انقلاب اسلامی حاصل از آن به یکی از پرشورترین و جاذب‌ترین حرکت‌های سیاسی - مذهبی مؤثر تبدیل گردید. اکنون سؤال این است که چگونه و چرا امام توانست پس از حدود چهارده سال به چنان قدرت جاذبه و بسیج‌کننده‌ای دست یابد؟

محققانی که موقعیت سیاسی - اجتماعی امام خمینی در دوره بین شروع تبعید تا سال ۱۳۵۶ آشنا نیستند، اغلب تصور می‌کنند که ایشان ناگهان در صحنه ظاهر شد و با در اختیار گرفتن روند تحولات از دست گروه‌های رقیبی که پیش از او حرکت را شروع کرده بودند اهداف انقلابی خود را تعیین کرد (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۷۵). اما حقیقت به گونه دیگری است و مبارزه امام از سال‌ها پیش شروع شده بود.

پس از یک سلسله برخوردهای محدود (مانند برخورد امام با قضیه تأسیس سینما و مشروب فروشی در قم) شاه با مطرح کردن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اولین موضوع را برای درگیری جدی با امام فراهم کرد (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۳). در جریان این درگیری می‌توان یکی از اولین نموده‌های شکل‌گیری ایدئولوژی و تفکر مبارزاتی امام و همچنین کارکردهای آن را در قالب‌های آگاهی بخشی سیاسی به دیگران برای صف آرایی «به ویژه توده‌های مردم» و نقد ترتیبات اجتماعی موجود مشاهده نمود. امام در جلسه تشکیل شده در منزل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری توانست موافقت علما را جلب کند تا متن تلگراف‌هایی را که علما به هیئت حاکمه مخابره می‌کنند، چاپ نموده و در دسترس عموم قرار دهند تا عامه مردم از اقدامات و نظریات پیشوایان اسلامی پیرامون تصویب‌نامه «لایحه» با خبر و آگاه شوند (روحانی، ۱۳۵۸: ۱۵۰-۱۴۹). کی از نتایج این جلسه تبدیل منابر و مجالس مذهبی به مکانی برای ارتباطات سیاسی و حمله به دولت بود.

البته حضرت امام آگاهی به مردم و انتقاد از وضعیت حاکم بر جامعه را از سال‌ها قبل آغاز نموده بود. در اولین سند مبارزاتی که از ایشان در دست داریم نامه معروف «بخوانید و به کار ببندید» خطاب به ملت نکات مهمی را بیان می‌نمایند، از جمله اینکه: قیام الله، یگانه راه اصلاح جهان (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳) است و در ادامه چنین می‌فرمایند امروز همان نقشه‌هایی را که از مغز رضاخان تراوش می‌کرده، تعقیب می‌نمایند.

پس از مدتی امام اقدامی کرد که موجب شهرت بی‌سابقه او در میان مردم و روحانیون گردید وی دو تلگراف یکی برای شاه و دیگری برای علما فرستاد. تلگراف ایشان برای شاه را «فهرآمیزترین برخورد یک مقام روحانی برجسته با هیئت حاکمه ایران» می‌دانند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۵)

علاوه بر این امام به مناسبت‌های گوناگون در برابر سیاست‌های حکومت موضع‌گیری نمودند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ واکنش در برابر انقلاب سفید و تحریم رفراندوم ۱۳۴۱، اعلام عزای عمومی نوروز سال ۱۳۴۲ و صدور اعلامیه مشهور «شاه دوستی یعنی غارتگری»، که در آن اعلامیه آمده بود «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأموران شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۰).

از این اعلامیه دو نکته مهم را می‌توان استخراج کرد که در روند شکل‌گیری و جاذبه حضرت امام (ره) و بالطبع رهبری پرجاذبه ایشان و همچنین پیروزی انقلاب نقش مؤثر داشتند. اول، معرفی شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایت‌ها و امام به عنوان مخالفی سرسخت و سازش‌ناپذیر. و دوم، یک درس اجتماعی، انقلابی، اسلامی مهم است، مطهری این درس را چنین بیان می‌کند: ممکن است ملتی از وضع موجود ناراضی باشد و آرزوی وضع دیگری داشته باشد، با این حال انقلاب نکند. چرا؟ برای این که روحیه ظلم‌پذیری در میان آن ملت رواج دارد. چنین مردمی ناراضی اما در عین حال تسلیم‌اند. اگر ملتی ناراضی بود، اما علاوه بر آن یک روحیه پرخاشگری، طرد و انکار در او وجود داشت، ... انقلاب می‌کند. اینجاست که نقش مکتب‌ها روشن می‌شود. جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، یعنی چه؟

یعنی اگر وضع حاکم وضع نامطلوب بود، تو نباید تسلیم بشوی و باید حداکثر کوشش خودت را برای طرد و نفی این وضع و برقراری وضع مطلوب و ایده‌آل به کار ببری (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۵).

استاد مطهری به مطلب مهم دیگری هم اشاره می‌کند که نه تنها ارزش چنین پیام‌هایی را در شکل‌گیری نهضت دوچندان می‌کند، بلکه یکی از دلایل گروش

پرشور مردم مسلمان و انقلابی به ایدئولوژی امام خمینی نیز هست. وی چنین می‌گوید: متوجه شدم در دویست سال اخیر، مسائل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر از رساله‌های ما برداشته شده است ... گویا بحث جهاد و امر به معروف و نهی از منکر نیز از دور خارج شده بود. (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۶) شاید به این دلیل امام در جایی فرموده بودند: من نه از دولت و نه از شاه از هیچ کدام تقیه نمی‌کنم، اما از بعضی علما تقیه می‌کنم (خاطرات محلاتی، ۱۳۷۶: ۶۲).

چرا که در این زمان گروهی حتی امام را عامل انگلیس و آمریکا که با شاه شیعه مبارزه می‌کند، می‌دانستند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۱)

یکی دیگر از اقدامات ابتکاری امام در این زمان تزریق محتوای سیاسی به نوحه‌ها و شعارهای سنتی بود (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). در هر حال وقوع قیام پانزده خرداد به مبارزه رنگ و بوی تازه‌ای بخشید. قیام پانزده خرداد چند پیامد مهم داشت: نخست، تبدیل امام به شناخته شده‌ترین مرجع در میان مراجع چند گانه رقیب در حوزه قم. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۴) دوم، انتقال رهبری حرکات مخالف رژیم به مذهبی‌ها و به حاشیه رانده شدن ملی‌گرایان و چپی‌ها و سوم، طرد همه قدرتهای بیگانه و وسعت گرفتن و عمق یافتن مبارزات علیه شاه. (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۳)

«کاتوزیان» معتقد است که این قیام، نه صرفاً مذهبی، نه صرفاً محافظه کارانه و نه صرفاً رادیکال و دموکراتیک بود؛ قیام مردم بود علیه حکومت و همه گرایش‌ها را در برمی‌گرفت ... و افرادش را بازاریان، کاسبکاران، صنعتگران، دانشجویان، کارگران، بیکاران و فعالان سیاسی تشکیل می‌دادند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۲۲).

دوره دوم: مبارزات و فعالیت‌ها در سال‌های ۴۲ - ۵۶

سال‌های بین ۴۲ تا ۵۶ دوره‌ای بود که در آن کشاکش سخت و پیگیری میان حضرت امام (ره) از یکسو و رژیم شاهنشاهی از سوی دیگر جریان داشت. برای مقابله با جاذبه امام و زایل کردن نفوذ ایشان در جامعه، شاه به شیوه‌های مختلفی متوسل شد، از تهدید به اعدام گرفته تا متهم ساختن ایشان به داشتن عقاید کمونیستی، ارتباط داشتن با عوامل خارجی، دستگیری و تبعید.

امام در تبعید هم از پانزدهمین سالگرد تولدش تا بیست و یکمین سالگرد تولدش روزی اعراب و اسرائیل ۱۳۴۶، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ۱۳۵۰، رواج تفسیرهای التقاطی از اسلام و برگزاری جشن هنر در شیراز در سال ۱۳۵۶ اطلاعیه‌های متعددی صادر می‌کردند که در سطح گسترده‌ای نشر و توزیع می‌شد (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۸).

مهم‌ترین بخش روند تولید ایدئولوژی امام سلسله درس‌های ایشان در بهمن ماه ۱۳۴۸ بود که درباره ولایت فقیه ایراد گردید. این سخنرانی‌ها در همان روزها به صورت‌های مختلف و پنهانی به ایران فرستاده شد (همان) و طرح کلی جامعه مطلوب امام را دربرداشت.

ایشان در این درس‌ها چنین می‌فرمایند: حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه حکومت مطلقه، بلکه مشروطه است؛ البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین، تابع آرای اکثریت باشد؛ مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شروط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۹).

امام از این نکته که یک ایدئولوژی انقلابی موفق در کنار «باورآفرینی» به «مهرآفرینی» نیز توجه دارد و کار اقناع با «باورآفرینی» و «مهرآفرینی» در «عمل

آفرینی» نقش بازی می‌کند، (انسار: ۳۰۱) آگاهی داشتند، لذا در طی نهضت از این نکته غفلت نمی‌نمودند. امام در یکی از پیام‌های خود چنین می‌فرماید: «بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه و خود فروختگان بی‌ارزش فداکاری کنید» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۰۴).

فتوای امام در جهت حمایت از خانواده‌کسانی که به دلیل امر به معروف و نهی از منکر دچار گرفتاری شده بودند هم در جهت همین «مهرآفرینی» است. از دیگر نمودهای شورآفرینی و مهرآفرینی ارائه تعبیر مثبت از وخیم‌ترین وقایع، ایجاد باور به پیروزی، دست‌یافتنی نمایاندن هدف، تحقیر موانع بسیج و کوچک شمردن قدرت دشمن است که یک نمونه آن را در پیام امام به مناسبت کشتار هفده شهریور می‌توان دید.

دوره سوم: مبارزات و فعالیت‌ها از سال ۵۶ تا پیروزی انقلاب

سال ۵۵ در عین حال که یکی از سال‌های اوج اقتدار رژیم بود، سال آغازروند سقوط آن نیز به حساب می‌آمد. با اعلام سیاست حقوق بشر کارتر، گروه‌ها و عناصر ناراضی اکنون احساس می‌کردند بین شاه و متحدان خارجی‌اش شکاف افتاده و فرصت وارد شدن به صحنه پس از سال‌های طولانی خفقان به وجود آمده است.

ایران دهه‌های چهل و پنجاه شاهد اوج‌گیری کم سابقه مذهب‌گرایی در عرصه اندیشه، عمل سیاسی، و از همه مهم‌تر، فرهنگ عمومی است. مذهب‌گرایی اندیشه‌ای به تدارک فکری و ایدئولوژیک جنبش کارizmائی کمک کرد. فرهنگ مذهبی، در عین حال، تعریف‌کننده بحران «تشدیدگر بحران با تعریف جدید از آن» بود و سمبل‌ها و زبان مبارزه، ابزار بسیج کارizmائی و از همه مهم‌تر الگوهای

کاریزمائی قابل جانشین سازی را نیز ارائه می کرد. امام خمینی در چنین بستری بار دیگر وارد صحنه شد و با جنبش جاذبه الهی و پا به پای توسعه آن، تصویر پرجاذبه ایشان در ذهن مردم کامل شد. تصویری را که در طول این سال‌ها در ذهن توده نقش بسته بود می توان در سه کلمه خلاصه کرد: مقدس، «به دلیل جایگاه مرجعیت، مقایسه ایشان با اسطوره‌های فرهنگ شیعی و مبارزه در جهت آرمان‌های اسلامی»، مبارز «به دلیل مبارزه سازش ناپذیر با شاه، آمریکا، اسرائیل و ارائه تفسیر سیاسی - انقلابی از مفاهیم مذهبی «امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، و ...»، در فضای کوشندگی آن دوران مبارزه و ستیزه ارزش بی سابقه‌ای یافته بود و به دلیل فضای باز سیاسی و موج انتقاد نسبت به رژیم، مبارز بودن امام جاذبه قهرمان گونه‌ای برای ایشان ایجاد کرد. چنان که مطرح کردن کلمه «خمینی» وسیله‌ای برای ابراز اعتراض و عصبانی کردن حکومت بود (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

و سومین کلمه، مظلوم «این تصویر به دلیل رنجهایی که امام در راه عقیده و آرمان تحمل کرده بودند بوجود آمده بود» در ذهن توده فرض بر این بود که مهم ترین شاهد برای صحت ادعای یک فرد امضا با خون و مایه گذاشتن از جان خویش است و ظلم به امام که قلب خود را برای سرنیزه مزدوران رژیم آماده کرده بود، ولی نه برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های آنان چنین تصویر و تصویری را تقویت می کرد. البته طبیعی است که این تصویر در مورد همه قشرهای علاقه‌مند به امام مشترک نبود و عوامل دیگری غیر از بعد مذهبی، در ایدئولوژی امام وجود داشت که موجب می شد جاذبه امام به رگه‌های فرهنگی مخالف نیز تسری یابد.

ویژگی‌های جاذبه حضرت امام (ره)

به غیر از بعد مذهبی عناصر، ویژگی‌های دیگری را هم برای ایدئولوژی امام می‌توان برشمرد که بررسی و شناخت آنها برای فهم جاذبه ایشان و تأثیری که بر پیروان داشتند ضروری است و به طور خلاصه مهم‌ترین عوامل مؤثر در جاذبه اندیشه سیاسی و انقلابی امام خمینی عبارتند از:

۱- اقتصاد و وضع معیشت مردم: وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران قبل از انقلاب ضد و نقیض به نظر می‌آید. در این نمایشگاه تضاد طبقاتی، از یکسو شیک‌ترین مردان و زنان دنیا با آخرین مدل لباس و گرانبهاترین اتومبیل جهان و از سوی دیگر زنان فقیری که بچه‌هایشان را در حال گدایی شیر می‌دادند دیده می‌شدند. (افراسیابی، ۱۳۶۴: ۴۹۹). توجه به پیام‌های امام از سال چهل و دو تا پیروزی انقلاب به خوبی معلوم می‌کند که سیاست نادرست اقتصادی رژیم شاه، وابستگی او به سیاست‌های آمریکا، بازگذاشتن دست غیرمسلمانان برای تصرف بیت‌المال و جهت‌گیری اقدامات رژیم جهت فقیر و وابسته کردن مردم تا چه حد در میان مردم انعکاس سوء داشته است (امه طلب، زمانه، ۱۳۸۳: ۴۵). همچنین ارجاع به مکتب اقتصادی اسلام که در کشف الاسرار و سایر آثار امام دیده می‌شود باعث توجه تباین اصولی این مکتب با مکاتب اقتصاد لیبرال و سوسیال و در نتیجه امید بستن به آن برای رسیدن به عدالت می‌شد (امه طلب، ۱۳۸۳: ۴۶).

۲- رادیکالیسم انقلابی و نفی کامل وضع موجود: که امام را به سمبل مبارزه و معیار عمل انقلابی تبدیل کرده بود. موضع‌گیری‌های شجاعانه امام معیاری را به جا می‌گذاشت که هیچ مخالف سیاسی نمی‌توانست بدون رعایت آن ادعای هموردی با امام و جلوداری مبارزه را داشته باشد. حمله به رأس هرم قدرت و تقاضای برکناری او در حالی که برخی از انقلابیون اصرار داشتند باید بر شعار «شاه باید سلطنت کند نه

حکومت» رضایت داده امر دوراز ذهنی بود که باعث می شد حتی بردن نام امام، عملی انقلابی به حساب آید.

۳- حمله به آمریکا و قدرت های غربی: که باعث می شد، امام بر خشم ملی گرایانه در برابر عامل خارجی بیفزاید و با حمله به آمریکا و اسرائیل، مسلمانان «اعم از سنی و شیعه» را در مقابل دشمنان اصلی متحد کند و فراگیری، محبوبیت و جاذبه ایدئولوژی مبارزاتی خود را افزایش دهد.

۴- تأثیر روحیه بخشی دکترین امام: یعنی اینکه موضع گیری های امام ابهت و اقتدار روانی شاه را در ذهن مخالفان می شکست و از نظر مخالفان به این معنی بود که می توان با خود شاه هم مخالفت کرد.

۵- تأثیر وحدت بخشی ایدئولوژی امام: آیت الله خمینی (ره) با دفاع قدرتمندانه از انبوه نارضایتی های عمومی، گروه های گوناگون اجتماعی را با خود همراه کرد، گروه هایی که او را رهایی بخشی که سال های سال در انتظارش بودند، قلمداد می کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۶۵۶). او طی پانزده سالی که در تبعید بود از اظهار نظر عمومی به ویژه دادن اعلامیه درباره مسائلی که می توانست به رنجش و دوری بخش ها و اقشار مختلف جناح مخالف منجر شود، محتاطانه خودداری کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۶۵۶).

اگر به واقعیت فوق، عنصر ابهام در ایدئولوژی امام را نیز بیفزاییم، تأثیر وحدت بخش این ایدئولوژی بیشتر آشکار می شود. امام با ارائه نمونه های تاریخی اسطوره ای، سمبل های کلی و اهداف ارزشی به عنوان هدف نهایی جنبش، و همچنین بیان آن در قالب سمبل های دینی، ناسیونالیستی و دموکراتیک، باعث جذابیت ایدئولوژی پیشنهادی خود برای طیف هرچه بیشتری از گروه های اجتماعی گردیده بود. هم مذهبی ها، اوج ایده آل های خود را در کلام امام می یافتند «حکومت علی وار،

پرهیزگاری حاکم، حاکمیت اخلاق اسلامی، هم طرفداران دموکراسی، ایدئولوژی امام را با اهداف خود هماهنگ می‌دیدند، و هم گروه‌های کوشنده‌ای که تحت تأثیر ایده‌آل‌های جامع‌گرا «عدالت اجتماعی، همسانی فقیروغنی» بودند، ارزش‌های مساوات طلبانه و مردمی امام را جذاب می‌دیدند. بنابراین، معنای دقیق‌تر این جمله که «امام برای همه گروه‌ها چیزی داشت»، آن است که تقریباً هر کس براساس گزینشی که از ایدئولوژی امام می‌کرد، به برداشتی از آن ایدئولوژی می‌رسید «بر مبنای فرایندی که جامعه شناسان ارتباطی، آن را ادراک انتخابی و انباشت انتخابی می‌خوانند» که در نهایت، آن را با ایده‌آل‌ها و اهداف خود، هماهنگ می‌یافت.

به همین دلیل ایدئولوژی امام، به حلقه اتصال اقشار مختلف تبدیل شد و آنها را به هم پیوند زد. در واقع این نقش وحدت بخش امام و ایدئولوژی کارزمایی ایشان بود که توانست هماهنگی و وحدت انقلابی لازم را به وجود آورد.

نتیجه گیری

پدیده شگرف اجتماعی که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد و نام انقلاب اسلامی به خود گرفت با توجه به جهت گیری‌های ایدئولوژیک آن «یعنی باز تفسیر معنای زندگی، تعدیل و خلق و بازسازی ارزش‌ها، سازماندهی انگیزه افراد و بازتعریف واقعیات و نظم اجتماعی براساس تعهد به نوعی نظام عقیدتی» و با توجه به اطاعت ارادتمندانه و داوطلبانه جماعت عظیم مردم از رهبر آن و همچنین ویژگی‌های استثنایی و خارق‌العاده وی یا تصور این ویژگی‌ها توسط مردم یک جنبش کارزمایی بود. از دل کشمکش نمادین این جنبش «ناشی از کشمکش نمادین گروه‌های مختلف مخالف رژیم» کلام مشترکی که هماهنگی تلاش‌ها را تضمین کند، توسط امام خمینی (ره) ارائه شد. امام خمینی (ره) با تولید کلامی همسو با هویت تاریخی جامعه «فرهنگ

ایرانی - اسلامی» و خواست تاریخی جامعه «پایان اقتدار شاهنشاهی»، که در آن به دامنه پذیرش مخاطبان نیز توجه شده بود «دکترین آرمانی، عقلانی و پایمند به سنت»، به «باور آفرینی»، «بعد اقناعی» و «مهر آفرینی»، «بعد عاطفی» پرداخت و موجب کنش عقلانی معطوف به ارزش مردم شد.

دکترین کاریزمایی امام با به تصویر کشیدن آرزوهای جامعه در غالب ایده آل‌های ایدئولوژیک، انگاره و تصویری جذاب از آینده ایجاد کرد و با ارائه راه‌حل‌های خروج از بحران و ارائه طرح کلی جامعه مطلوب به مردم امید حرکت داد. و امام را که به عنوان تنها فرد توانمند در رفع حالت بحرانی قلمداد می‌شد، به منجی مردم و قهرمان جامعه تبدیل کرد، کسی که وی را حسین زمان، می‌خواندند. به عبارتی ایدئولوژی اسلامی اقناعی، همه فهم و بسیج‌گری که در طی دوران مبارزه توسط حضرت امام ارائه شده را به عنوان رهبر پرجاذبه جنبش معرفی کرد.

نکته مهم آنکه نمی‌توان ادعا کرد پژوهشی در حد مقاله حاضر، قادر به تبیین کاملی از ابعاد شخصیتی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و مدیریتی امام خمینی و نقش آفرینی‌های گوناگون ایشان در فرایند انقلاب اسلامی باشد. نوشته حاضر، حداکثر توضیحی و یا تحلیلی در کنار توضیح‌ها و تحلیل‌های ممکن دیگر، آن هم درباره جنبه‌ای خاص «جاذبه رهبری» از پدیده مورد بحث است.

منابع فارسی

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی، تهران: نشرنی.

اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱). *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

افراسیابی، بهرام (۱۳۶۴). *ایران و تاریخ از کودتا تا انقلاب*، تهران، زرین.

امه طلب، مصطفی (۱۳۸۳). *ارجاعات انقلاب [مقاله]*، زمانه، سال سوم، ش ۲۹.

انسار، بی‌یر (۱۳۸۱). *ایدئولوژی‌ها، کشمکش‌ها و قدرت*، ترجمه دکتر مجید شریف، تهران: قصیده سرا.

بريجانيان، ماری (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، دوجلدی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

حسینی، حسین (۱۳۸۱). *رهبری و انقلاب*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی *خاطرات و مبارزات شهید محلاتی* (۱۳۷۶). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). *صحیفه نور*، ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). *کوثر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

روحانی، حمید (۱۳۵۸). *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، قم: انتشارات دارالفکر، جلد اول.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). *مدارا و مدیریت*، تهران: انتشارات صراط.

عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۱). *سیر تکوین و تحول جنبش کاریزما در ایران (از دهه ۴۰ تا اواخر دهه*

۶۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی.

علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن (۱۳۶۵). *فرهنگ علوم سیاسی*، ۵ جلدی تهران: ویس.

کاتوزیان، همایون (۱۳۶۸). *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، دوجلدی، تهران: پایروس.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا.

ملکوتیان، مصطفی، پزشکی، محمد، حسینی زاده، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۳). *انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی رخداد آن*، تهران: نشر معارف.

ویر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه ترجمه عباس منوچهری*، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.

منابع انگلیسی

Baradat, leonp (1988). *political ideology*, their origins and impact, London: prentice - hall: international, Inc.

Drucke, H.m.(1974). *the political uses of ideology*, u. k: the Macmillan press.

Guralink, david (1980 b). *webster's new world dictionary*, New York: prentice – hall press.

Larrian, gorge (1979). *the concept of ideology*, Georgia: the university of Georgia press.

Mommsen, wolfgang (1989). *the political and social theory of Max weber*, London: polity press.

Rejai, mostafa (1990). *"ideology" in lyman tower sergent*, contemporary political ideologies: a reader, California:pacific grove.

Robert son, david (1985). *the penguin dictionary of politics*, great britian: penguin books.





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی